

گرفته نمی‌شد. سازمان برنامه و بودجه به دنبال این بود که هر طور شده بحث هزینه‌های جاری و بار مالی را افزایش دهد. مالیات برای گروه‌های خاصی - که به آن مالیات بر ثروت می‌گویند - می‌خواستند در نظر بگیرند، اما با زهم هیچ اقدامی انجام نمی‌دادند. مسأله این بود، یک نوع عدم اراده برای حل مسائل کشور وجود داشت که امیدوارم با خواست کنونی و تغییراتی که رخ داده حتی با وجود تحریم‌ها بگوییم می‌توانیم نفت بیشتری بفروشیم البته همان طور که فروختیم. برای ما مهم است با وجود تحریم‌ها نرخ ارز را کنترل کنیم و به تبع آن فاصله شکاف درآمدی را کاهش دهیم تا فاصله میان حاکمیت و مردم را که دچار واگرایی شده بود، نزدیک کنیم.

در رابطه با بازار ارز اکنون شرایط نسبتاً متعادلی ایجاد شده است. این ثبات و کنترل نوسان ناشی از چیست؟

این اتفاق ناشی از دو دسته عامل مهم است. نخست عوامل واقعی بودند. ناترازی موجب شده بود که وضعیت ارزی کشور مشخص نباشد. بانک مرکزی ناچار شد خلق پول کند و دلار ارز ترجیحی دریافت کند. این اتفاق در دوره فعلی به شکل معکوس رخ داده است. من به جهت مسائل طبقه‌بندی شده نمی‌توانم اعداد و ارقام بگویم اما این می‌توانست بخشی از ذخایر از دست رفته بانک مرکزی را برگرداند. در کنار اینکه خود بازار را نیز مدیریت کردیم که اگر آن را با اول شهریور مقایسه کنیم یکی است و با همان ارزی که دولت تحویل گرفته است کار را ادامه می‌دهد. دولت سعی کرده نفت بفروشد و هزینه‌های خود را کنترل کند و به لحاظ ارزی نیز منظم‌تر عمل کند. وجه دیگری از تحلیل این موضوع به مدیریت فضای روانی بازار ارز برمی‌گردد. ما در وزارت اقتصاد سعی کردیم به‌طور جدی با مداخلاتی که بازگرهای اقتصادی و بعضاً بانک‌ها و مؤسسات در بازار ارز داشته‌اند، محکم مقابل کنیم و این به عنوان یکی از شروط انتصاب مدیران عامل بانک‌ها بوده است. در زمینه نظارت بانکی نیز اتفاقاتی رخ می‌داد که نمی‌خواهم بگویم خواسته بود اما ناخواسته یک نوع رهاسدگی وجود داشت که بسیاری از بازیگران اقتصادی و شرکت‌ها به نفع خود وارد فعالیت‌های سفته‌بازانه می‌شدند. چون عمق بازار ارز در کشور ما کم است یک ورود چندصد هزار تایی سبب می‌شود بازار نوسان پیدا کند. از یک طرف برای شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، مؤسسات مالی سختگیری کردیم که بانک مرکزی



از منظر
درآمدهای
مالیاتی هم
کشور نسبت
به سال گذشته
۱۶۰ درصد و
درصد افزایش
درآمدهای جاری
داشته است.
یعنی به صورت
دقیق‌تر ۸۰۰
درصد افزایش
درآمدهای ریالی
نفتی و ۱۵۰
درصد افزایش
هزینه‌های
جاری داشتیم

۹۶ با اینکه مشکلات خارجی تا حدی حل شده بود اما تقریباً هیچ اصلاح بنیادین درستی صورت نگرفت و دوباره در اردیبهشت سال ۹۷ و خروج آمریکا از برجام تمام فشارهای تحریمی دوره اول را با درجات بالاتر توری تجربه کردیم. با مرور این رخداد شاید یکی از مهم‌ترین رسالت‌های ما در وزارت اقتصاد و تیم اقتصادی دولت این باشد که اجازه ندهیم ۱۴۰۱ تکرار فرصت‌سوزی قبلی باشد. یعنی به محض کنترل تورم و ایجاد ثبات اقتصاد کلان غیر از امور جاری و... به لحاظ راهبردی مسیر این است که از این زمان استفاده کنیم برای اینکه فرصت مصون‌سازی و واکنش کردن اقتصاد ایران را انجام دهیم تا فارغ از توافق از بیم اینکه تحریم‌ها شروع شود یا نه، نگران وضعیت تورم و کاهش رفاه مردم نباشیم. در شهریور ۱۴۰۰ نزدیک به یک چهارم جمعیت کشور زیر خط فقر قرار داشتند. امیدواریم در آمار اسفند و فروردین ماه این شاخص کاهش یابد اما این نسبتی نیست که بشود بزودی آن را اصلاح کرد. از جهت فقر، نابرابری، فاصله دهک‌ها و... تدابیری که مجلس و سایر دستگاه‌ها داشتند برای اینکه این فاصله را کم کنند با کارشکنی مواجه می‌شد و عملاً دولت اقدامی انجام نمی‌داد. اینکه می‌گفتند فاصله حقوق‌های بالا و پایین را مقداری تعدیل کنید که این نابرابری تا حدی کاهش پیدا کند از طرف دولت جدی

بدون هیچ گونه مخالفتی تقریباً با تمام پیشنهادها رئیس‌جمهور موافقت کرد. در نامه‌ای که از طرف رئیس‌جمهور چین در جواب نامه آقای رئیسی آمد، اصرار بر این داشتند که ما به سرعت اعلام کنیم، آن هم چینی‌هایی که از سیاست‌های اعلامی این چینی پرهیز داشتند، اعلام کنند که اجرای تفاهت‌نامه ۲۵ ساله رسمی است و روی پروژه‌های آن برنامه‌ریزی کنیم. یا مثلاً مناسبات با کشورهای اوراسیا مثل ترکمنستان که سال‌ها در دوره دولت قبل کم شده بود، بعد از اجلاس شانگهای جدی‌تر شد. هر فردی که مجموعه تحرکات ۶ ماه اخیر را بررسی کند اگر منصف باشد تأیید می‌کند آنچه رخ داده ناشی از تغییر رویکرد، نگاه و رفتار جمهوری اسلامی است که طرف‌های مقابل نیز علامات‌های دیگری صادر می‌کنند.

تجربه تاریخی به دست آمده از دولت قبل چه دستاوردهایی برای شما داشت تا اقتصاد کشور به برجام گره زده نشود؟

در پاییز سال ۹۶ با یکی از دوستان که از کارشناسان اقتصادی بود و در خارج از کشور مدرک گرفته و جزو بچه‌های انقلابی در حوزه نفت و گاز است، صحبت می‌کردیم، شرایط را پرسید، من گفتم تعجب می‌کنم که چرا اتفاقی در حوزه اقتصاد کشور نمی‌افتد. در سال ۹۵ و